



دوره ۶ - شماره ۱۴ - بهار ۱۴۰۲

اقدامات نهادهای بین المللی و حمایت از حقوق کودکان در شرایط ناشی از همه گیری کووید ۱۹

مصطفی فضالی، سکینه رضایی

عوامل خشونت در خانواده از منظر قرآن

علی محمدی جورکوبه

تأمین مالی دآوری بین المللی توسط شخص ثالث

محمد مهدی اسدی

مطالعه تطبیقی رویکرد فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه در حمایت از حقوق کودکان در جنگ

میثم نوروزی، مهدی اسکندری خوشگو، ساناز ابوالقاسمی

چالش های جایگزین تعقیب کیفری در ایران و ایالات متحده آمریکا

امین امیریان فارسانی

اصول و قواعد حاکم بر معاملات بورس اوراق بهادار

سیدعلی قائم منش

بررسی اختلاف حقوق مسلمان و کافر با مسئله کرامت انسانی

شقایق عامریان، محمدرضا کیخا

تاملی در سیاست جنایی و تقنینی ایران در قبال تشهیر متهمان با نگاهی بر فقه و اسناد بین المللی

علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی

گذری بر مالکیت اموال غیرمادی غیرفکری در حقوق ایران

مریم طاهری سرتشنیزی

بازکاوی مبانی فقهی ایقاع یا عقد بودن ابراء در فقه مذاهب اسلامی

مرتضی رحیمی، علی محمودی کاکونی

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال نقض حقوق شهروندی توسط پلیس سایبری

محمد خورشیدی اطهر

نقد و ارزیابی سیاست جنایی کنشی (پیشگیرانه) از فساد اداری در نظام کیفری ایران

رستم علی اکبری، سعید احمدی، ایرج مروتی، بهنام کریمی

سیاست کیفری افتراقی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی

یاسر شاکری



## A Deliberation in Iran's Criminal and Legislative Policy towards the Disgrace of the Defendants; with a Look at Jurisprudence and International Documents

Ali Paidarfard

Master of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)

Javad Naderi ooj Boghzi

Student outside Qom seminary, PhD student in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Aras International Campus, Aras, Iran

Ahmadreza Emtehani

Master of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran

## تأملی در سیاست جنایی و تقنینی ایران در قبال تشهیر متهمان با نگاهی بر فقه و اسناد بین‌المللی

علی پایدارفرد

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)  
alipaidarf.f1375@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0002-7848-9315>

جواد نادری عوج بغزی

طبله دوس خارج حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی ارس، ارس، ایران

njavad71@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0002-7440-8012>

احمدرضا امتحانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران  
emtehaniahmadreza@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0002-0253-0342>

### Abstract

Criminal policy is a set of responses of the community body, both criminal and non-criminal, to the criminal phenomenon. Delmas Marty believes that we should choose a concept of criminal policy in which most of the answers have a non-criminal approach, but in contrast to the German Feuerbach, he often has a criminal approach to the community's answers, from which Iran's criminal policy also derives. Defendants' disgrace is one of the derogatory and criminal reactions, mainly by the police. Of course, a few of them arbitrarily and not all of them; which cause the infamy of this great institution; It takes place as an arm of power and Implementation of criminal justice. In the meantime, according to the religious teachings and customs prevailing in Iranian societies and culture, we find that this type of treatment is not commensurate with human dignity and status and also from the perspective of law Criminal, criminological theories and international documents can be criticized. Therefore, the analysis of Iran's criminal policy in relation to this approach is of particular importance to show the inaccuracy of this action. In fact, the main question of this research can be expressed as follows; What are the criticisms and flaws of Iran's criminal policy regarding the disgrace of criminals and defendants, and basically, is this way of dealing with defendants acceptable from the perspective of jurisprudence, Iranian criminal law, and international documents? In this research, it has been answered by searching and studying library resources and studying jurisprudential works and criminological theories.

**Keywords:** Disgrace of the Defendants, Jurisprudence, International Documents, Criminal law of Iran, Criminal Policy of Iran.

### چکیده

سیاست جنایی، مجموعه پاسخ‌های هیئت اجتماع اعم از کیفری و غیرکیفری در قبال پدیده مجرمانه می‌باشد. دلماس مارتی بر این باور است که باید از سیاست جنایی مفهومی را گزینش نماییم که عمده پاسخ‌ها رویکرد غیرکیفری داشته باشد اما در مقابل فونرباخ آلمانی غالباً رویکرد کیفری بر پاسخ‌های هیئت اجتماع دارد که سیاست جنایی ایران نیز منبع از این رویکرد است. تشهیر متهمان از جمله واکنش‌های تزدیلی و کیفری است که عمده توسط نهاد پلیس؛ البته تعداد اندکی از آن‌ها به شکل خودسرانه و نه همه آن‌ها؛ که موجب بدنامی این نهاد بزرگ می‌شوند؛ به‌عنوان بازوی قدرت و اجرای عدالت کیفری، صورت می‌گیرد. در این میان با توجه به آموزه‌های دینی و عرف حاکم بر جوامع و نیز فرهنگ ایرانی، در می‌آییم که این نوع از برخورد متناسب با شان، منزلت و جایگاه انسان نمی‌باشد و نیز از منظر حقوق کیفری، نظریات جرم‌شناختی و اسناد بین‌المللی اسناد می‌تواند در بونه نقد قرار گیرد. بنابراین تحلیل سیاست جنایی ایران در قبال این برخورد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا عدم صحت این عمل نمایان گردد. در واقع سؤال اصلی این پژوهش را می‌توان بدین صورت بیان نمود؛ سیاست جنایی ایران در خصوص تشهیر مجرمان و متهمان دارای چه نقد و ایراداتی است و اساساً آیا این نحوه از برخورد با متهمان از منظر فقه، حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی مورد پذیرش است یا خیر؟ در این پژوهش با جست‌وجو و مطالعه منابع کتابخانه‌ای و مذاقه در آثار فقهی و نظریات جرم‌شناختی، به آن پاسخ داده شده است.

**واژگان کلیدی:** تشهیر متهمان، فقه، اسناد بین‌المللی، حقوق کیفری ایران، سیاست جنایی ایران.

ارجاع:

پایدارفرد، علی؛ نادری عوج بغزی، جواد؛ امتحانی، احمدرضا؛ (۱۴۰۲)، درنگی در سیاست جنایی و تقنینی ایران در قبال تشهیر متهمان با نگاهی بر فقه و اسناد بین‌المللی، تمدن حقوقی، شماره ۱۴.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



## مقدمه

تشهیر صرف عدم تغایر با موازین فقهی و حقوقی در واقع، پاسخ مناسبی در قابل پدیده مجرمانه محسوب نمی‌شود و دولت‌ها بایستی بتوانند با توسل به دلایلی آن را توجیه کنند که آیا این مجازات از نظر تئوری یا عملی موجه بوده و سبب تحقق هدف‌های مشخصی از سیستم عدالت کیفری می‌شود یا خیر؟ بنابراین، اگر دلایل کیفرشناسانه و ضروریات اخلاقی و ساختاری جامعه، این مجازات را توجیه نمایند، شرط مهم اساسی کیفرگذاری نیز محقق نخواهد شد. تبارشناسی تاریخی نشان می‌دهد که اهدافی چون سزاگرایی، بازدارندگی، بازپروری، اصلاح و درمان، تعدیب بزهکار، تشفی خاطر بزه‌دیده، پیشگیری، موازنه عدالت جمعی، تعلیم اخلاقی و ناتوان‌سازی فرد مجرم هر کدام در چرخش‌هایی پارادایمی به‌عنوان هدف اصلی کیفر انتخاب شده و در جغرافیای حقوقی معینی مستقر شده‌اند. هرچند این اهداف در تشتت‌های پیوسته قرار داشته‌اند ولی بازدارندگی به‌عنوان شاخص‌ترین هدف کیفر در سراسر تاریخ تحولات حقوق کیفری وجود داشته است. منحنی تحولات کیفرگذاری سیستم‌های عدالت کیفری نشان می‌دهد که تلاش مکاتب مختلف کیفرشناسی در طول تاریخ مبتنی بر استقرار و استخدام کیفرهایی بوده که بیشترین بازدارندگی را به وجود آورده و از ارتکاب مجدد آن بزه توسط خود بزهکار یا بزهکاران بالقوه دیگر پیشگیری نمایند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۶۷). در همین خصوص، سزار بکاربا بیان کرده است: «هدف مجازات چیزی نیست جز بازداشتن دیگران از ارتکاب بزه. بنابراین مجازات‌ها و شیوه‌های اجرای آن‌ها باید به نحوی گزینش شود که قوی‌ترین و ماندگارترین اثر را بر اذهان دیگران و حداقل رنج را بر اندام بزهکار باقی گذارد» (بکاربا، ۱۳۸۷، ۳۴). اما در واقع نمی‌توان تشهیر را یکی از انواع کیفرهای مؤثر دانست. امروزه این کیفر متناسب با مقتضیات و

فرهنگ حقوقی هر کدام از سیستم‌های عدالت کیفری متحول شده و با کیفیتی متفاوت به اجرا گذارده می‌شود. انتشار اسامی مجرمان اقتصادی، انتشار تصاویر محکومان جرائم جنسی (مانند قانون فدرال مگان در ایالات متحده آمریکا)، الزام به عذرخواهی کردن به صورت رسمی، تحقیر کردن در برابر همه و انتشار حکم محکومیت در رسانه‌های گروهی، اشکال کیفری مختلفی هستند که تمام آن‌ها در ذیل کیفر تشهیر قرار گرفته و در قوانین کیفری کشورهای زیادی انعکاس داشته است (مجتهدی، ۱۳۸۲، ۱۵۵). منتهی براساس منطق و مبانی کیفرشناختی، این کیفر با رعایت استانداردهای اجرایی و اخلاقی مورد نیاز نمی‌تواند موجبات تحقق برخی از هدف‌های کیفر را در مورد جرائم خاصی فراهم سازد. اهدافی چون بازدارندگی، پیشگیری، اعاده حیثیت، جبران خسارت وارده، جلب اعتماد عمومی نسبت به سیستم قضایی و استقرار امنیت اجتماعی، تنها برخی از مهم‌ترین اهداف مذکور است گرچه برخی آن را کارآمد می‌دانند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱).

در این پژوهش با مذاقه در منابع فقهی و غور در قوانین کیفری جهت کشف مراد قانون‌گذار و نیز احراز نظر شارع و با عنایت به نظریات جرم‌شناختی و اسناد بین‌المللی و با رعایت توجه و دقت بر مفاهیم سیاست جنایی به‌عنوان یک رشته نویناد و مؤثر در نظام عدالت کیفری، در راستای نقد این کیفر به‌عنوان یک پاسخ ناکارآمد و دارای تبعات سهمگین، تشهیرشوندگان بسان قوچ، قربانی سیاست‌های اشتباه قلمداد می‌گردند.

### ۱- تشهیر از منظر فقه فریقین

تشهیر مجرم به معنای خاص کلمه گرداندن او در خیابان‌ها و نمایش و معرفی وی به مردم است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ۵۰۸).

کیفر تشهیر از نگاه فقه امامیه، تنها در مورد شهادت کذب، صراحت دارد و فقها فقط در این مورد اتفاق نظر دارند. البته تشهیر در قوادی، قذف، محتال (کلاهبردار) و مفلس (ورشکسته) نیز طبق نظر برخی از فقها ضروری دانسته شده است. همان‌طور که بیان شد، اتفاق نظر فقها مبنی بر لزوم اجرای تشهیر تنها در مورد شهادت کذب است که از مهم‌ترین روایات سه‌گانه که در این خصوص وجود دارد از حضرت امام صادق (علیه السلام) است. در این روایت (موثقه سماعه) آمده است: «امام علی علیه السلام هرگاه شاهد زور را دستگیر می‌کرد، اگر غریب بود او را به قبیله‌اش می‌فرستاد و اگر بازاری بود به بازار می‌برد و او را می‌گرداند و پس از چند روز زندانی کردن او را آزاد می‌کرد» (قمی صدوق، ۱۴۰۹ق، ۷۵). لازم به توضیح است تعداد کمی از فقها نظیر ابن ادریس، اجرای کیفر تشهیر در مورد شاهد کاذب را مستحب (نه واجب) می‌دانستند.

سخن در مورد سایر اعمال و کیفیات اجرای تشهیر در آن‌ها طولانی و نیازمند پژوهشی مجزا است اما به صورت کلی، از جهت فقهی، فلسفه تشهیر این مجازات‌ها را می‌توان این چنین خلاصه نمود: شناخته‌شدن بزهدکار،

سبب پیشگیری از افزایش جرم از ناحیه وی با سوءاستفاده از ناآگاهی دیگران می‌شود؛ به جهت اثرات اجتماعی، منجر به شرم بزهکار و اجتناب وی از ارتکاب مجدد جرم می‌گردد؛ عبرت سایرین و به تبع آن کاهش میزان ارتکاب بزه مورد نظر میان دیگران (محدثی و سلطانی، ۱۳۹۶، ۸۴).

با نگاه به فقه و تطبیق آن با راهکارهای پلیس در کیفر تشهیر در راستای مقابله با بزه، بایستی بیان داشت که هیچ ضابطی نمی‌تواند در جهت اجرای این کیفر خود مرتکب جرائمی مجزا گردد یا در آن‌ها شروع و یا معاونت داشته باشد. فرضاً، اگر مأمور یا مأمورانی بزهکار یا مجرمانی را در شهر بگردانند و مردم را تشویق به توهین و ضرب و جرح آنان نمایند یا خود مرتکب آن جرائم گردند و یا خود بزهکاران را ملزم به توهین و سرزنش خویش کنند، از منظر فقهی نه تنها جایگاهی ندارد بلکه امری مذموم به حساب می‌آید. فقهای امامیه و اهل سنت در خصوص نحوه و کیفیت اجرای کیفر تشهیر قول‌های مختلفی دارند. بیشتر فقهای امامیه کیفیت آن را بدین شکل بیان کرده‌اند که شخص بزهکار را در محل‌های اجتماع مردم از قبیل قبیله، محله، بازار و... می‌گردانند تا مردم آن‌ها را بشناسند و جرم آن‌ها به جهت عبرت دیگران، اعلان و مردم از معاشرت با آن‌ها منع می‌شوند که در روایات با تعبیر «اطافه» از آن یاد شده است که ریشه آن «طاوف» به معنای گرداندن است (حسینیان، ۱۳۹۴، ۹).

یکی از مهم‌ترین این روایات، موثقه سماعه از امام صادق (ع) است که پیش از این بیان گشت. در ادامه برخی از این اقوال اشاره شده است. در کشف اللثام صریحاً بیان شده است که مجرم مثله نمی‌شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ۴۰۱) و یکی از موارد مهم که مورد اتفاق فقهای امامیه در مورد مجازات تشهیر است آن است که تمام فقها تشهیر را مخصوص مرد دانسته و صراحتاً بیان کرده‌اند که زن هیچ وقت تشهیر نخواهند شد (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ۵۱۵). در منابع اهل سنت روایتی نقل شده است که برای تشهیر مجرم، صورتش را سیاه می‌کنند: «وَيُسَوِّدُ وَجْهَهُ» که فقهای اهل سنت در کتب فقهی خود از سیاه کردن چهره بزهکار با عنوان «تسويد» یا «تسخيم» ذکر کرده‌اند (ابن قدامة، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ۲۳۳). البته برخی از آن‌ها بیان کرده‌اند این از مصادیق مثله است که به جهت آنکه حضرت رسول (ص)، آن را نهی کرده‌اند؛ ممنوع است (زيعلى، ۱۳۱۳ق، ۲۴۲). از دیگر موارد ذکر شده در متون فقهی اهل سنت جهت کیفر تشهیر، سوار کردن بر گاو و نیز تراشیدن بخشی از سر هم دیده می‌شود (ابن نجيم، بی تا، ۱۲۶).

آنچه که امامیه و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، تشهیر در برخی از بزه‌ها به شکل گرداندن مجرمین برای معرفی وی در اماکنی است که آن فرد را می‌شناسند تا مردم به گناهکار بودن او و نوع جرمش مطلع شوند و مصاحبتی با وی نداشته باشند (حسینیان، ۱۳۹۴، ۹). در حقیقت، تفاوت میان تشهیر و اجرای علنی مجازات‌ها

است (مرتاضی، ۱۳۹۳، ۳۵) که مشاهده می‌شود که برخی از فقها که به مشروع بودن اعلان جهت حاضر شدن در مراسم اجرای کیفر زناکار، نظر داده‌اند؛ اعتقاد دارند که اگر هدف (حاضر شدن طایفه‌ای از مؤمنین)، بدون دعوت عمومی قابل رخداده باشد؛ الزامی جهت اعلان وجود ندارد (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ۴۲۷). البته، برخی از فقیهان با وجود این قول و جواب حضور طایفه، اعلان جهت حضور را مستحب دانسته‌اند (فاضل، ۱۴۱۷ق، ۵۵۳). همان‌گونه که از دید گروهی از فقهای حنفی و مالکی نیز مستحب است که حاکم شرع، طایفه‌ای از مؤمنان را مخاطب دعوت قرار دهد البته این دعوت متفاوت با دعوت برخی از فقهای امامیه است و تنها خود حاکم شرع اشخاص مدنظر خویش از طایفه را مورد دعوت قرار می‌دهد و فراخوان حضور طایفه در مساجد و معابر صورت نمی‌گیرد (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ۱۲) و (القرافی، ۱۹۹۴م، ۸۷).

## ۲- نگاه حقوق کیفری ایران به تشهیر (سیاست تقنینی)

هرچند وفق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (به‌ویژه بند ششم اصل دوم و اصل چهاردهم که تأکید بر حفظ کرامت انسانی دارند) و اصول حقوق کیفری (خصوصاً ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که به صورت ویژه به اصل کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر اشاره کرده است)، حفظ کرامت انسانی و عرض مردم لازم است اما در صورت جواز مقنن، امر خلاف آن که مصداق بارز آن تشهیر است؛ لازم است. البته، لازم به توضیح است طبق ذیل ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در هر صورت، حفظ کرامت اشخاص بدون استثناء لازم است که مرتبط با قسمت قبلی پژوهش نیز است که در ادامه بیان شده است. در قوانین کیفری ایران به مجازات تشهیر اشاره شده است (نظیر مواد ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)؛ همچنین ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شکل ویژه به این نوع کیفر اشاره کرده است. در حقیقت، تعداد اندکی از موارد (خصوصاً جرائم موضوع ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) می‌تواند تحت کیفر تشهیر قرار گیرد که عموماً جزو جرائم علیه اموال و مالکیت هستند که ممکن است مقنن به جهت رجحان حقوق جامعه نسبت به حقوق متهم، آن را لازم دانسته که همخوانی آن با فقه (همان‌طور که گذشت) محل بحث است. البته، همان‌طور که ملاحظه گردید، در هر صورت رعایت قسمت انتهایی ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ لازم است. نکته‌ای که در اینجا لازم به توضیح است آن است که برخلاف نظر بسیاری از فقهاء، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، کیفر تشهیر در جرائم شهادت کذب و قذف، پیش‌بینی نشده است.

یکی از اصول مهم که در تشهیر باید همواره بررسی گردد اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. ماده ۱۲<sup>۱</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به اصل قانونی بودن جرم و ماده ۱۲<sup>۲</sup> این قانون به اصل قانونی بودن مجازات و اصول سی و ششم<sup>۳</sup> و سی و هفتم<sup>۴</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اصل قانونی بودن جرم و مجازات اشاره کرده‌اند. این اصل سبب می‌شود تا مأمور یا مقامی نتواند خودسرانه اقدام به جرم‌انگاری و کیفر شخصی کند. در نتیجه، به موجب این اصل است که تشهیر در مواردی که مقنن آن را جایز ندانسته و در صورت جواز، مقام قضایی آن را به مصلحت ندانسته، قابل اجرا نیست و تنها پس از تصریح قانون و دستور یا حکم قاضی در راستای این اصل و نظر مقنن است که تشهیر در موارد خاص و بیان شده، قابلیت اجرا دارد و ضابطان و سایر مقامات بدون صراحت قانونی حق اجرای آن را ندارند.

لازم به ذکر است در خصوص تعارض میان اصل سی و ششم با اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل سی و ششم پذیرفته می‌شود. زیرا، اصل یکصد و شصت و هفتم جدای از ابهامات، باید بتواند با معیاری دقیق اجرا و نوع اجرا سبب مشکلات عدیده دیگر که توسط دکتین حقوقی بیان شده، نگردد که کار را در عمل مشکل کرده است. همچنین، در بحث حکومت و ورود از منظر فقهی باز هم به پذیرش اصل مزبور می‌رسیم. بنابراین، تشهیر تنها باید ذیل حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات اجرا گردد و تا زمانی که قانون کیفرها را مشخص کرده است نمی‌توان به فقه رجوع کرد و حتی اگر مشخص نبود و یا صراحتی وجود نداشت با توجه به دلایل فوق، اصل سی و ششم حاکم است (نه اصل یکصد و شصت و هفتم) و حتی نوبت به تفسیر مضیق در این خصوص نمی‌رسد. از طرف دیگر، در هر صورت اقدامات خودسرانه و ترذیلی پذیرفته نیست. همچنین از وحدت ملاک از اصل سی و هشتم و صراحت و تأکید اصل سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اهمیت بسیار عدم اجرای تشهیر به شکل خودسرانه و ترذیلی پی می‌بریم. یکی از شکنجه‌های روحی می‌تواند اقدام خودسرانه به تهدید جهت تشهیر متهم برای اقرار از وی باشد که از این اصل نیز می‌توان این گونه برداشت کرد و شکنجه را تنها منحصر در جسم و جان متهم ندانست. بنابراین، پرواضح است که تشهیر متهم منجر به از بین رفتن کرامت انسانی و عرض وی می‌گردد و تنها زمانی مجاز است که مقنن و سپس در راستای آن مقام قضایی، به جهات مختلفی مثل شناخت وی، بازدارندگی عام و

۱- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.

۲- حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.

۳- اصل، براءت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۴- حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

خاص و ارجحیت حقوق مردم بر حقوق شخص آن را به مصلحت می‌دانند و سایرین نمی‌توانند خودسرانه و یا حتی به شکل قانونی اما تزدیلی آن را اعمال کنند.

به‌طور کلی، نظام‌های حقوقی به دو دسته نوشته و مدون مثل رومی-ژرمنی و نانوشته مثل عرفی و کامن‌لا تقسیم می‌شوند. در هر نظام حقوقی چه نوشته و نانوشته، حاکمیت با عرف است (حتی در نوشته): زیرا، این عرف جامعه است که به مقنن می‌فهماند فلان رفتار (فعل یا ترک فعل) را با توجه به ضروریات اجتماعی جرم‌انگاری کن و گاهی اوقات شاهد آن هستیم که بسیاری از مواد قانونی نیز باید در محیط عرف تفسیر گردد چون قانونی که نوشته شده برای عرف نگارش شده است. از منظر اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات اشاره کردیم که اصولاً وفق قوانین مدون، تشهیر جایگاهی ندارد. در حقیقت، باید پذیریم که عرف (چه آن را ذیل منابع اصلی و الزامی یا ارشادی بیاوریم) در تمام نظام‌های حقوقی جایگاه ویژه‌ای دارد و همین عرف است که اصولاً تشهیر را نمی‌پذیرد. بنابراین، بایستی این اختلافات مبنی بر این که عرف یک منبع الزامی یا ارشادی است را خصوصاً در این مورد کنار بگذاریم. زیرا، تنظیم و سپس تصویب قوانین در هر یک از این نظام‌های مدون یا غیرمدون، مرهون عرف است. در خصوص مسئله تشهیر، نه‌تنها عرف آن را نمی‌پذیرد بلکه آن را هم قبیح می‌داند (نادری عوج بغزی، ۱۴۰۰، ۱۰۲).

### ۳- تشهیر در ترازوی اسناد بین‌المللی

به جهت اثرات مجازات تشهیر مجرمان مانند اراذل و اوباش و سارقان، ضروری است تا در این خصوص، نگاهی بر اسناد بین‌المللی و حقوق بشر داشت. اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، در سی و دو ایالت امریکا، قوانین مرتبط با آگاه‌سازی عموم مردم به تصویب رسید که به واسطه آن اطلاعات مجرمان جنسی از طریق قاضی اجرای حکم به افراد آن منطقه می‌رسید که بعدها از طریق وب‌سایت‌هایی ویژه در هر ایالت، حتی تصاویر شخصی آنان در اختیار کاربران قرار می‌گرفت.

بنابراین، این مورد و بسیاری از موارد مشابه دیگر در این خصوص بیانگر آن است که کیفر تشهیر در سایر کشورها نیز وجود دارد اما این که آیا اساساً این مجازات مغایر با اسناد بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است یا خیر؟ قابل بررسی است. مثلاً در مورد تصویب قانون فوق در سی و دو ایالت امریکا، به نظر می‌رسد این نوع از کیفر و تشهیر با ماده ۵ و ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر مغایرت دارد. به‌نظر می‌توان بیان داشت که این شکل از تشهیر نیز نوعی شکنجه روحی است که با این ماده منافات دارد و با توجه به نوع بزه (جرائم جنسی) چون موجب از بین رفتن عرض آنان و برچسب‌زنی می‌گردد سبب جری‌تر شدن و حتی ارتکاب به جرائمی خشن‌تر از این نوع مثل زنا یا لواط به عنف و سرقت خشن و قتل‌های سریالی توسط این



افراد می‌گردد. ماده ۸ این اعلامیه راهکار و ضمانت اجرای تجاوز به حقوق هر انسان را رجوع به محاکم صالح داخلی دانسته است. در این خصوص بایستی قائل به تفکیک شد؛ یعنی آیا تشهیر صرفاً به معنای گرداندن است یا شامل انتشار از طریق فضای مجازی هم می‌شود؟ به نظر می‌رسد تشهیر به معنای عام خود هر دو را دربرمی‌گیرد و امروزه با گسترش تکنولوژی صرفاً نمی‌توان گفت بدون هیچ دوربین و سپس درج آن در پایگاه‌های اینترنتی اساساً ممکن است. حتی اگر در این خصوص ممنوعیتی هم باشد، با اجتماع افراد، امکان انتشار اخبار این‌چنینی در پایگاه‌های اینترنتی وجود دارد. در نتیجه، تشهیر به معنای امروزی با شکل گذشته آن متفاوت بوده و شامل هر دو می‌شود.

یک مسئله مهم آن است که تشهیر نباید با شرم‌ساری خلط گردد. مسئله شرم‌ساری یک مسئله مهم و استراتژیک بوده که برخی از جرم‌شناسان بر این باورند که یکی از مدل‌های پیشگیری از جرم، شاید شرم‌سار نمودن مجرم یا متهم یا محکوم است که توسط کنشگران اجتماعی رخ می‌دهد. با عنایت به اسناد و عرف بین‌المللی خصوصاً اعلامیه حقوق بشر که صریحاً در این مورد وارد شده است؛ کیفر تشهیر در مورد اعمال علیه آزادی تن و عرض افراد و یا در مواردی که کیفیت اجرای تشهیر، شکنجه جسمی یا روحی تلقی گردد با حقوق و آزادی افراد مغایرت داشته و سبب از بین رفتن کرامت انسانی می‌گردد.

یکی دیگر از کنوانسیون‌ها که عواقب تشهیر را مدنظر قرار داده و وفق آن تنظیم و تصویب شده است؛ «کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأموران سیاسی» است. به‌عنوان نمونه، در ماده ۹ این کنوانسیون آمده است: «هر شخصی که به استناد ماده ۲ کنوانسیون حاضر، تحت تعقیب قرار گیرد در کلیه مراحل رسیدگی و تعقیب از رفتار منصفانه برخوردار خواهد شد». با توجه به کیفرهای سنگینی که در ماده ۲ آمده است؛ چون بیم رفتارهای ناعادلانه و به دور از انصاف در عمل و خودسرانه در کلیه مراحل رسیدگی و تعقیب، خصوصاً توسط ضابطان وجود داشته است؛ این ماده به این مهم اشاره کرده است. پیش از این، در خصوص اهمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات اشاره شد؛ از جهت بین‌المللی نیز ماده ۱۰ و ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ به بیان این اصل پرداخته است که اهمیت عدم اجرای خودسرانه تشهیر را توسط ضابطان، دوچندان می‌کند.

#### ۴- نقد جرم‌شناختی بر تشهیر

نخستین بار نظریه برچسب‌زنی در کتاب «جرم و اجتماع»، اثر اریکسون در سال ۱۹۶۲ میلادی اشاره شد. این نظریه در ضمن فرایندی اجتماعی، عنوان مجرمانه‌ای را علیه فردی پیوست می‌کند که به تبع آن فرد از جامعه طرد و یک هویت جدید و منفی در او شکل می‌گیرد که وی را به سمت انحراف بیش‌تر سوق می‌دهد (بیات و

لطفعلی زاده، ۱۳۹۸، ۱۸۷). در واقع، یکی از علت‌های تحقق برچسب‌زنی، کیفر تشهیر است. زمانی که ارادل و اوباش تشهیر می‌شوند، هم خود آن اشخاص و هم آن محل وقوع جرائم، مورد برچسب‌زنی مردم قرار می‌گیرد. شاید بتوان این گونه نیز بیان داشت که کیفر تشهیر در خیلی از موارد می‌تواند نه علت وجود، بلکه علت تشدید برچسب‌زنی یک فرد یا محلی گردد. مثلاً اگر فردی جرم مؤثر کیفری با مجازات تبعی سه سال انجام داده باشد و به تبع آن مردم آن محل نیز به او برچسب مجرم خطرناک بزنند؛ در این جا، وی محرومیت اجتماعی و قانونی را توأمان دارد و اگر کیفر تشهیر به شکل فرامنطقه‌ای یا حتی فراملی باشد (مانند انتشار مشخصات شخص در وب‌سایت‌های داخلی یا خارجی) سبب تشدید این برچسب‌زنی می‌گردد.

بنابراین، اگر فردی که پس از گذراندن کیفر اصلی، تشهیر شود، افرادی که از بزه او نیز اطلاع نداشته نیز از این پس به او برچسب می‌زنند و هرچه این برچسب محکم‌تر شود مسیر اصلاح و درمان وی طولانی‌تر می‌گردد و حس انتقام‌جویی و ستیز با جامعه در او تقویت می‌گردد. به عبارتی دیگر، تشهیر نه تنها یکی از علل تحقق برچسب‌زنی است بلکه عاملی مهم در تحکیم این برچسب است و بدیهی است که هرچه این برچسب در ابعاد بزرگ‌تر و محکم‌تر زده شود، از بین بردن آن نیز سخت‌تر می‌شود. از طرفی دیگر نیز ممکن است مجرمی خطرناک باشد و پس از کیفر نیز نه تنها اصلاح نگردد بلکه تبدیل به یک مجرم حرفه‌ای گردیده باشد که حضور وی در اجتماع خطرناک است و بیم بزه از وی می‌رود.

در واقع، پرسش این است که جمع این دو چگونه ممکن است؟ به نظر، هرچند ممکن است وجود مجرم در جامعه خطرناک باشد اما تشهیر وی می‌تواند خطرات بیش‌تری به همراه داشته باشد. فردی که تشهیر می‌شود چون آبرو و حیثیت خود را از دست می‌دهد و از سوی جامعه برچسب می‌خورد، قبح و زشتی بسیاری از جرائم را درک نمی‌کند. اگر پیش از تشهیر، وی مجرم خطرناک در توهین، فحاشی، قذف، افترا یا شهادت دروغ در جرائم با کیفرهای سنگین بوده، پس از تشهیر، خطرناک‌تر می‌شود و ممکن است علاوه بر تکرار بیش از پیش آن رفتارها، مرتکب جرائم سنگین و خشن‌تری مثل ضرب و جرح عمدی یا قتل گردد. خصوصاً زمانی که فرد در این حالت برچسب می‌خورد، مجبور به سرکوب خشم حاصل از آن می‌گردد و ممکن است این خشم به یکباره تخلیه و علیه یک نفر اجرا و در پی آن بزه‌ای خشن و سنگین مثل قتل عمدی رخ دهد.

تشهیر ارادل و اوباش می‌تواند سبب حضور آنان در فضای سایبر جهت قدرت‌نمایی و انتقام‌جویی گردد که با توجه به امکان مخفی کردن یا تغییر هویت در این فضا، آسیب‌های مختلفی را به بار آورد (بشیری و پایدارفرد، ۱۴۰۰، ۹۶). در نتیجه، اثرات بالقوه منفی کیفر تشهیر تنها محدود در فضای حقیقی نبوده و اشخاص

برچسب خورده، ممکن است در صدد انتقام در جایی که امکان شناخت هویت وی کم یا غیرممکن است؛ بر آیند. البته این برچسب اگر قرین با شرایط خاصی شود ممکن است حس انتقام جویی فرد به حد اعلا‌ی خود رسیده و فرد اگر چیزی برای از دست دادن نبیند ممکن است خارج از حد خود حرکت کرده و مرزبندی‌ها و هنجارهای لازم را بشکند. مثلاً شخصی که در اثر یک رابطه جنسی دچار بیماری ایدز شده و جامعه برچسب بیمار، گناهکار، منحرف و حتی مجرم به او می‌زند و خصوصاً اگر وی خود را بیازد و حس مرگ را در کنار این برچسب و اعدام اجتماعی به شکل مداوم تصور کند، حتی به شکلی مشخص ممکن است دست به ارتکاب هر جنایتی بزند تا از جامعه انتقام گیرد و یا بقیه را همانند خود کند. مثلاً در همین فرض ممکن است وی برای انتقام از افراد برچسب زنده اقدام به تجاوز به آن‌ها برای انتقال این ویروس کشنده کند.

در جرم‌شناسی، نظریه‌ای تحت عنوان برادر بزرگ‌تر (قیم مآبی)، وجود دارد. وفق این نظریه، در برخی از موارد، دولت‌ها و نهادهایی همچون نهاد قضایی، پلیس و... علیرغم آنکه برخی از رفتارها مثل تشهیر را خود نیز قبول نداشته و در قوانین نیز منع کرده‌اند، در عمل برخلاف آن عمل می‌کنند که بازتاب گسترده‌ای داشته و نقدهای فراوانی را به همراه می‌آورد. در واقع، با وجود این نقدها آنان خود را برادر بزرگ محسوب کرده و دست به برخوردهای غیرقانونی و گاه ترذیلی می‌زنند. قیم مآبی یعنی عمل کردن به خیر و صلاح سایرین، بدون رضایت آنان، به صورتی که پدر برای فرزندان خود می‌کند. از جهت سیاسی یعنی دولت می‌تواند مثل یک پدر برای جامعه، مردم را نه تنها از انجام اموری که به ضرر بقیه است قهراً منع کند بلکه اگر این رفتار به ضرر خودشان نیاز باشد، از انجام آن جلوگیری کند. مسدودسازی برخی از امکانات فضای مجازی از سوی دولت‌ها را می‌توان در چنین رویکردی توجیه کرد که طبق آن محافظه‌کاران بر قدرت سیاسی فراگیر دولت در فضای مجازی تأکید می‌کنند. در حقیقت، در این دیدگاه به مصلحت عمومی، نقش اجتماعی و اقتصادی دولت و نظارت اجتماعی و اخلاقی، بیشتر تأکید می‌گردد. البته مواردی از مفهوم کلی قیم مآبی دارای بار مثبت وجود دارد (علمداری و فرجیها، ۱۳۹۹، ۱۷۹).

##### ۵- رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال تشهیر

امروزه در تعریف سیاست جنایی کم و بیش تأکید بر عدم انحصار موضوع سیاست جنایی در مفهوم بزه، عدم انحصار جواب به هنجارشکنی در «پاسخ‌های جزایی» و «واکنشی»، عدم انحصار مجریان سیاست جنایی در دولت و شاید از همه برجسته‌تر یکپارچگی رکن‌های سیاست جنایی است (صادق‌منش، ۱۳۸۷، ۲۱۳). در مقام تعریف می‌توان گفت سیاست جنایی عبارت است از «مطالعه اقدام‌ها و تدبیرهای متنوعی که دولت و

جامعه مدنی (از طریق اجزای مختلف تشکیل دهنده خود) برای سرکوبی پدیده مجرمانه، پیشگیری از آن، حمایت از بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم در نظر گرفته و در قالب آیین‌ها و روش‌های مختلف، به‌عنوان پاسخ به وضعیت‌های پیش‌جنایی یا ماقبل ارتکاب جرم یا پاسخ به جرائم ارتکابی و نیز ترمیم آثار زیانبار جرم از جمله پیشگیری از تکرار آن اعمال می‌کنند» (لازرژی، ۱۴۰۰، ۳۷). از دوران مشروطیت تاکنون، سیاست جنایی عمدتاً در مفهوم موسع آن از ناحیه حقوق‌دانان و جرم‌شناسان مورد توجه بوده است (کی‌نیا، ۱۳۷۳، ۵۰) و به عبارت اخری، در ایران سیاست جنایی درون حقوق کیفری متولد و رشد یافته است و در عصر حاضر در صدد جدایی از آن است، اما دانشمندان حوزه علوم اجتماعی غیرجنایی در ایران تمایلی به پرداختن به موضوعاتی از این دست نشان نداده‌اند. همچنین، در سیاست جنایی ایران مبارزه کنشی و واکنشی با «جرم» مورد توجه بوده که البته متولیان آن به تدریج از قوه قضاییه به نهادهای اجرایی و اخیراً جامعه مدنی گسترش یافته‌اند. بنابراین، رویارویی با «انحراف» در مرکز توجه سیاست‌گذاران سیاست جنایی ایران نبوده است (صادق‌منش، ۱۳۸۷، ۲۱۳).

به نظر می‌رسد مقنن مواردی را دارای کیفر تشهیر در نظر گرفته که بیشتر از نظر عرفی، قابل ارباب بوده و در برخی از موارد که بیم اخلال در نظم و امنیت بوده را در صورت فقدان تحقق این مورد، لازم دانسته است. موید این جمله، صدر و ذیل ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که در صدر آن با توجه به نوع جرائم ذکر شده، این مورد، شرط و در مورد جرائم اقتصادی ذیل همان ماده، این مورد شرط نشده است. در حقیقت پس از همین کیفر تشهیر است که برچسب‌زنی به بزه‌کار واقع و وی از جامعه طرد می‌شود. در مورد سیاست کنشی نیز هم در خصوص بحث انحراف و هم بحث بزه، رویکردهای متنوعی وجود دارد که نیازمند تحلیل و پژوهشی مجزا است. نمونه بارز این مبارزه کنشی، تنیبهات در مدارس مثل فلک کردن، ایستادن در برابر همکلاسی‌ها و... است.

در واقع، سه سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی وجود دارد. در سیاست جنایی تقنینی، تشهیر به معنای خاص خود و کیفری ویژه، مستقل و خصوصاً به شکلی که بعضاً در عمل رخ می‌دهد؛ وجود ندارد و مقنن آن را اصولاً جایز ندانسته و اصولاً در قوانین جایگاه ویژه‌ای ندارد. در سیاست جنایی قضایی هم قضات وفق قانون تنها در موارد جایز و بنا بر ضرورت، دستور، قرار یا حکم به تشهیر صادر می‌کنند که آن هم به معنایی که امروزه در برخی از موارد رخ می‌دهد وجود ندارد و شامل موارد تزدیلی نمی‌شود. در حقیقت، در سیاست جنایی اجرایی است که بعضاً و به شکل خودسرانه برخی از ضابطان عام، اقدام به تشهیر تزدیلی می‌کنند که این

یک بدعت قانونی است و جدای از آنکه اثر بازدارنده ندارد بلکه موجب جری‌تر شدن متهم یا مجرم می‌گردد و این افراد موجب بدنامی پلیس می‌گردند که قابل مجازات در محاکم عمومی یا نظامی حسب مورد هستند و مقامات قضایی هم با این دست از افراد خودسر برخوردار قانونی و لازم را دارند.<sup>۵</sup> زیرا، حیثیت و شأن پلیس، به‌عنوان یک بازوی مهم اجرایی در بحث عدالت کیفری نباید توسط برخی از افراد خودسر خدشه‌دار شود. به نظر این دست از جرائم را می‌توان تحت عنوان جرائم علیه عدالت کیفری نام برد. این دست از جرائم اصولاً توسط پلیس صورت می‌گیرند که یکی از این جرائم مهم، بدعت قانونی در بحث تشهير است.

از وظایف اصلی دولت‌ها در جوامع مختلف تأمین امنیت است که در واقع ضرورت تشکیل خود دولت، همین مهم است. در مورد توجیه‌کردن اساس این وظیفه از ناحیه دولت، به نظریه قرارداد اجتماعی می‌توان استناد کرد. وفق این دیدگاه، میان شهروندان و حاکمیت، قراردادی وجود دارد که طبق آن، شهروندان از بعضی از منافع و حقوق خود، چشم‌پوشی کرده و اختیارات زیادی را به دولت تفویض می‌کنند و در برابر آن، از دولت تأمین امنیت و متعاقب آن کنترل بزه را انتظار دارند. نظریه قرارداد اجتماعی در چارچوب این مفهوم، تنها منحصر به عصر روشنگری در غرب نبوده و در آموزه‌های اسلامی و کلام معصومین علیهم‌السلام نیز تعابیری وجود دارد که وجود قرارداد بین حکومت و امت (ملت) را به اثبات می‌رساند (عزیزی و میرخلیلی، ۱۳۹۹، ۲۲۳).

در راستای چنین قراردادی میان شهروندان و دولت، زمانی که حاکمان از اصلی‌ترین وظایف خویش که همان کنترل جرم است، ناتوان شوند و جرائم به‌ویژه جنایات که توجه مردم و افکار عمومی را بیشتر جلب می‌کنند، در جامعه اتفاق افتند، موجبات نارضایتی مردم از این تفویض اختیار به وجود می‌آورد. دولت‌ها هم به جهت جلب اعتماد عمومی و برای این که انگشت اتهام به سمت دولت نرود با فرافکنی و نسبت‌دادن ناکامی خود در کنترل بزه به سایرین، اقدام به ایجاد دشمن فرضی می‌کنند و با برجسته‌سازی و مبالغه در ویژگی‌های بزه‌کاران، درصدد هستند که افکار عمومی را به این سمت بکشانند که درحقیقت این بزه‌کار است که قرارداد را نقض کرده و بعد از این، از مواهب قرارداد سهمی ندارد. همان‌گونه که به عقیده روسو، هر گناهکاری که حقوق جامعه را مورد تعرض قرار دهد و مرتکب بزه شود، عضو دولت بودن وی لغو می‌گردد؛ زیرا که وی علیه دولت به نبرد برخاسته است. در این راستا دولت یک قالب ذهنی از مجرم

۵- ماده ۵۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: هر نظامی که با اقدام خود برخلاف شئون نظامی به نحوی از انحاء موجبات بدینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم سازد به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

منتشر می‌کند و این قالب ذهنی و کابوس واقعی که تمام بدی‌ها را در خود پوشش م‌دهد مانند نقابی بر چهره فرد می‌نشیند و پس از آن، این فرد مثال همان قوچ قربانی را می‌یابد که جامعه علت تمام ناکامی‌ها، ناهنجاری‌ها و بدی‌های موجود در خود را به او نسبت می‌دهد. در واقع قالب ذهنی و تصور تکراری که از جنایتکار به وجود می‌آید، ناشی از یک جریان حقوقی و اجتماعی است که منجر به برجسب‌زنی قالبی به فرد تحت عنوان جنایتکار، دشمن و... می‌شود. در نتیجه، چهره‌ای غول‌آسا در برابر افراد درستکار به نمایش گذاشته می‌شود و جامعه با مجازات این فرد نه تنها موجب تقویت مجدد پایه‌های ایدئولوژیک مسلط خود می‌شود بلکه با انتقام از جنایتکاران موجبات تشفی خاطر افراد جامعه را فراهم می‌سازد (میشل‌بست، ۱۳۷۷، ۵۶، ۶۵). در حقیقت، وقتی که فرد یا افرادی مثل اراذل و اوباش نمی‌توانند به نیازهای خود برسند (نیازهایی که دولت آن جامعه وظیفه تأمین آن‌ها را داشته است) و سپس توسط همان دولت مجازات می‌شوند؛ در اینجا وی مثل قوچ، قربانی شده و سپس جامعه به وی برجسب معجرم می‌زند. بنابراین، لازم است حتی زمانی که دولت‌ها از جهت اقتصادی دچار رکود هستند، سیاست کنشی و واکنشی مناسبی در خصوص این دست از جرائم داشته باشند که منجر به تحقق این نظریه و سپس برجسب‌زنی نشود.

### نتیجه

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه پژوهش را این‌گونه بیان نمود:

از منظر فقهی و آموزه‌های دینی، تشهیر صرفاً در برخی از جرائم خاص مورد پذیرش و قابل اجراء بوده و آنچه امروزه به‌عنوان تشهیر توسط پلیس (برخی از آن‌ها به شکل خودسرانه و ترذیلی) در خصوص برخی از اشخاص صورت می‌گیرد، فاقد مبنای فقهی و شرعی است. از آنجایی که قوانین کیفری ایران غالباً منبعث از فقه می‌باشد، مقنن ایرانی نیز با عنایت به کرامت و حیثیت اشخاص، تشهیر را به‌طور موسع و با کیفیت کنونی نپذیرفته است و با توجه به لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل قانونمندی، اجراء کیفر تشهیر فاقد مبنای تقنینی بوده بلکه از منظر اسناد بین‌المللی نیز توجیهی بدان یافت نمی‌شود. باتوجه به نظریات جرم‌شناختی از جمله نظریه برجسب‌زنی، به‌صراحت می‌توان گفت؛ اجراء تشهیر می‌تواند تبعات سهمگین و غیرقابل جبرانی را به جامعه تحمیل نماید تا آنجا که با نظریه قیم‌مآبی نیز نمی‌توان آن را توجیه نمود. تمایل حداکثری متولیان سیاست جنایی بر اجراء کیفر (کیفرگرایی) و به تبع عوام‌گرایی کیفری موردی مهم است که این نحوه از پاسخ در قبال پدیده‌های مجرمانه در ترازوی عدالت و انصاف و با عنایت به نظریه قوچ قربانی، قابل نقد جدی است و در واقع تشهیر با تمام تبعات منفی و سهمگین، نه تنها کارآمد نیست بلکه ادعایی که متولیان سیاست

جنایی و بازوی اجرایی، بر اجرای عدالت و برقراری امنیت با اجرای تشهیر دارند، محصول سیاست جنایی منبعث از نظریه فوئرباخ آلمانی است که موجب قربانی شدن آن‌ها بسان قوچ می‌باشد.

در پایان شاید عنایت به تعریف و رویکرد دلماس مارتی از مفهوم سیاست جنایی (بیشترین پاسخ‌ها غیرکیفری باشد) و توجه هرچه بیشتر به پیشگیری اجتماعی و دخالت کنشگران و قوای مختلف کشور در این امر که منطبق با آموزه‌های دینی است بتواند قدری از این مشکلات بکاهد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- بشیری، قدرت و پایدارفرد، علی، ۱۴۰۰، **سرقت‌های خشن از نگاه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مهر کلام.

- بکاریا، سزار، ۱۳۸۷، **رساله جرائم و مجازات‌ها**، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، تهران، انتشارات میزان.

- بیات، شیرین و لطفعلی زاده، الهه، ۱۳۹۸، **مختصر جرم‌شناسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادبانان دانا.

- حسینیان، وجیهه، ۱۳۹۴، بررسی کیفر تشهیر در فقه فریقین، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی**، دانشگاه سمنان.

- صادق‌منش، جعفر، ۱۳۸۷، سیاست جنایی قانون‌گذار ایران در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۶۲-۶۳.

- علمداری، علی و فرجیها، محمد، ۱۳۹۹، اصول حمایت کیفری از داده در فضای سایبری در پرتو اسناد بین‌المللی و نظام کیفری ایران و آلمان، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۹۱.

- عزیزی، سمیه و میرخلیلی، سید محمود، ۱۳۹۹، ارتباط نظریه قوچ قربانی و عوام‌گرایی کیفری و تأثیر آن بر سیاست کیفری ایران، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۴۱.

- غلامی، علی؛ مجتهدی، محمدحسین؛ طهماسبی، محمدحسن، ۱۳۹۷، مجازات تشهیر در تعزیرات با رویکرد تطبیقی به مجازات‌های مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۱۰۴.

- لازرژ، کریستین، ۱۴۰۰، **درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نهم، تهران، انتشارات میزان.
- مجتهدی، محمدحسین، ۱۳۸۲، منطلق تحول اهداف مجازات و تحلیل سیاست‌گذاری‌های کیفری معاصر در غرب، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه امام صادق (ع).
- محدثی، زهرا و سلطانی، عباسعلی، ۱۳۹۶، نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران، **فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۴۹.
- مرتاضی، احمد، ۱۳۹۳، بررسی مبانی تشهیر از منظر مذاهب خمس و حقوق موضوعه، **رساله دکتری فقه و مبانی اسلامی**، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.
- میشل بست، ژان، ۱۳۷۷، **جامعه‌شناسی جنایت**، ترجمه فریدون وحید، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶ق، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- نادری عوج بغزی، جواد، ۱۴۰۰، **نحوه احراز رابطه استناد در حقوق کیفری (بررسی رویکرد عرفی و کارشناسانه)**، چاپ اول، تهران، انتشارات مهر کلام.
- عربی**
- ابن قدامة، عبدالله بن محمد، ۱۴۰۵ق، **المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل**، جلد دهم، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالفکر.
- ابن عابدین (حنفی)، محمدامین، ۱۴۲۱ق، **حاشیه رد المحتار علی الدر المختار**، تحقیق عادل احمد عبد الموجود، علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالفکر.
- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم، بی‌تا، **البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق**، چاپ دوم، بیروت، دارالکتاب الاسلامی.
- القرافی (مالکی)، شهاب الدین احمد بن ادریس، ۱۹۹۴م، **الذخیره**، بیروت، دارالغرب.
- حسن بن ابی طالب آبی یوسفی (فاضل)، ۱۴۱۷ق، **کشف الرموز فی شرح مختصر النافع**، جلد دوم، چاپ سوم، قم، دفتر اشارات اسلامی.
- زیعلی، عثمان بن علی، ۱۳۱۳ق، **تبیین الحقائق فی شرح الدقائق و حاشیه الشلبی**، المطبعة الكبرى الامیریه، چاپ اول، قاهره.



- علم الهدی، علی بن حسین، ۱۴۱۵ق، الانتصار فی انفرادات الأمامیه، تصحیح گروه پژوهش دفترانتشارات اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، **كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام**، تصحیح گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۹ق، **من لا یحضره الفقیه**، تهران، انتشارات صدوق.
- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۱۲ه.ق)، **الدر المنضود فی احکام الحدود**، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم.

# Legal Civilization

No.14- Spring 2023

ISSN : 2873-1841  
ISSN : 2873-1922

The Actions of International Organizations and Protection of Children's Rights in the Conditions Caused by the Epidemic of Covid-19

Mostafa Fazaeli, Sakineh Rezaie

Factors of Violence in the Family from the Perspective of the Qur'an

Ali Mohammadi Jorkoyeh

Third-Party Funding in International Arbitration (TPF)

Mohammad Mahdi Asadi

A Comparative Study of the Approach of Islamic Jurisprudence and Humanitarian Law in Supporting the Rights of Children in War

Meisam Norouzi, Mehdi Eskandari Khoshguo, Sanaz Abolghasemi

Alternative Challenges of Criminal Prosecution in Iran and United States of America

Amin Amirian Farsani

Principles and Rules Governing Stock Exchange Transactions

Sayyed Ali Ghaemmanesh

Examining the Difference between Muslim and Infidel Rights with the Issue of Human Dignity

Shaghayegh Amerian, Mohammadreza Keikha

A Deliberation in Iran's Criminal and Legislative Policy towards the Disgrace of the Defendants; with a Look at Jurisprudence and International Documents

Ali Paidarfard, Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani

A look at the Ownership of Immaterial and Non-Intellectual Property in Iranian Law

Maryam Taheri Sarteshnizi

Re-exploring the Jurisprudential Foundations of Unilateral Contract and the Contract for Abra' in Jurisprudence of Islamic Religions

Morteza Rahimi, Ali Mahmoodi Kakooni

Iran's Legislative Criminal Policy Regarding the Violation of Citizen's Rights by the Cyber Police

Mohammad Khorshidi Athar

Criticism and Evaluation of Criminal Policy (Preventive) against Administrative Corruption in Iran's Criminal System

Rostam Ali Akbari, Saeid Ahmadi, Eraj Morvati, Behnam Karimi

Differential Criminal Policy of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran and the United States of America in Crimes Against Public Security and Peace

Yasser Shakeri